

ماه عسل دردل اجتماعات

«ماه عسل را کجا برویم؟ برای خیلی از عروس ها و دامادها، این سؤال یکی از چالش های مهم آغاز زندگی مشترکشان است، اما برای بعضی از عروس ها و دامادهای جشن امروز ما، ماه عسل بعد از عقد خلاصه می شود به ساعتی باهم بودن در جایی که حالشان خوب است، حتی ممکن است آنجا، گوشه ای از خیابان های محله شان باشد.» این هارا یگانه می گوید، یکی دیگر از عروس های جشن اهالی محله اقبال. او و همسرش قرار گذاشته اند تا زمانی که اجتماعات مردم برپاست، هرشب در خیابان حضور یابند و این راه ماه عسل خود می دانند. مهدی، همسر یگانه، می گوید: چه چیزی باشکوه تر و پربرکت تر از اینکه عروسی مادر جشن پیروزی مردم باشد! من و یگانه تصمیم داریم به نیابت از امام شهیدمان تاجایی که بتوان داریم، به این مردم و انقلابمان خدمت کنیم و این را افتخاری برای خودمان می دانیم. یگانه هم در تکمیل صحبت های همسرش می گوید: در بین دوستان و فامیل، افرادی هستند که برای شرکت نکردن در اجتماع های مردمی دنبال بهانه هستند. یکی می گوید شب شام نداریم، دیگری دیر خوابیدن بچه هایش را بهانه می کند و آن یکی، مشغله کارهای منزل را دلیلی برای حاضر نشدن در اجتماع های شبانه می داند. من می خواستم باین کارم بگویم این هابها نه است و آدم حتی در شب عروسی اش هم می تواند در جمع مردم انقلابی خیابان حضور داشته باشد. از شب عروسی که مهم تر نداریم!

گوش به فرمان توصیه رهبری

مهسا یکی از عروس خانم های اجتماع اهالی محله اقبال است. مهسامچ بند ایران به دست دارد و به قول خودش هرشب در اجتماع اهالی محله شان حاضر می شود. او به ما می گوید: چندی پیش، یکی از خانم های مسجدی محله مان از من پرسید «دوست داری مراسم عروسی ات را در اجتماع مردم برگزار کنیم؟». راستش با خودم گفتم به جای اینکه مراسم را در تالار و با فامیل خودمان جشن بگیرم، این شب بزرگ را کنار مردم باشم که در سرما و گرما سنگر خیابان را ترک نمی کنند و هوای انقلاب را دارند. مهسا ادامه می دهد: من از شهدا ممنونم که برای امنیت ما از بچه ها و زندگی شان گذشتند؛ از همین جا به آن ها می گویم که ما همیشه مدیون شما هستیم. محمد باقر، همسر مهسا، هم از اینکه در اجتماع مردم لباس دامادی بر تن دارد، بسیار خوشحال است. او به پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب در نوروز ۱۴۰۵ اشاره می کند و می گوید: رهبرمان، آقا سید مجتبی، در نوروز امسال فرمودند «باینکه خیلی از ما عزاداریم، اما خوشحال می شویم که در این ایام، نوعروسان و نوادماهای ما به خانه بخت بروند و ان شاء... دعای رهبر شهیدمان و سایر شهدای بزرگوار این جنگ، بدرقه راه این عزیزان باشد.» راستش همین پیام رهبری برای من انگیزه ای شد که من و همسرم تصمیم بگیریم ازدواج کنیم و مراسممان را هم در کنار مردم برگزار کنیم.



اولین عدس پلو زندگی مشترک

مراسم که تمام می شود، نوبت عروس کشان است. عروس خانم ها و آقادهامادها یک به یک به سوار ماشین می شوند و در محله دور می زنند. آن ها در مسیر حرکت به ۱۴ اجتماع دیگر اهالی در بولوار وکیل آباد سری می زنند و هرجایی که می روند، جمعیت برایشان سنگ تمام می گذارند. هرجایی که می روند، هدایایی به آن ها اهدا می شود تا اینکه وقت شام به موکب نبش وکیل آباد ۶۲ می رسند. آنجا به هرکدام از عروس ها و دامادها ۲ پرس عدس پلو می دهند. زوج ها در کنار مردم شام می خورند و به خانه هایشان می روند. آن ها زیر لب زمزمه می کنند: ما که همه مراسم ازدواجمان ساده بود، شام هم ساده باشد! ما زندگی مشترک را از اول ساده گرفتیم؛ امیدواریم که بقیه جوانان هم ازدواج و زندگی را ساده بگیرند.

این هم از شام عروسی!

می چرخد و به مهمان ها ساندویچ تعارف می کند؛ یک ساندویچ هم به ما می دهد. او وقتی فهمید امشب در میدان شهید صیاد شیرازی مراسم عروسی برگزار می شود، با همسرش تصمیم گرفتند ۲۰۰ ساندویچ نان و پنیر و سبزی درست کرده و بین جمعیت پخش کنند. مهدی از انگیزه اش برای انجام این کار فقط لبخندی تحویل ما می دهد و یک جمله کوتاه: «مراسم عروسی است دیگر؛ باید به مهمان ها شام بدهیم. این هم از شام عروسی!».

چند نفری هم با سینی شیرینی در جمع حضور دارند و بوفه موکب هم مثل هرشب با جای گرم از مهمان ها پذیرایی می کند.

حال و هوای عروسی میدان شهید صیاد شیرازی وصف شدنی نیست. به دلیل اینکه از قبل اعلام شده که جشن عروسی برگزار می شود، هرکدام از اهالی سعی کرده است در حد توانش در مراسم حضور فعالی داشته باشد و گوشه ای از کار را بگیرد. خانمی خودش را به مجری برنامه می رساند و ۱۴ کارت هدیه یک میلیون تومانی به عروس و دامادها اهدا می کند. هرچه سعی می کنیم با او گفت و گو کنیم، زیر بار نمی رود و می گوید: نذر کرده ام به نیت چهارده معصوم (ع)، ۱۴ عروس و داماد را خوشحال کنم؛ همین. مهدی آقادر دیگر مهمانی است که خودش سعی دارد از مهمان های دیگر پذیرایی کند. او بین جمعیت

